

# بسم الله الرحمن الرحيم

(۱) ۹۷/۱۰/۳

## اقتضاء النهی عن الفساد

### مقدمات

در عبارت آخوند آمده است ان النهی عن الشیء هل یقتضی الفساد ام لا؟

دو نکته است. یکی اینکه منظور از شیء عبادات و معاملات است و این دو را باید از هم جدا کرد. آخوند هم میخواست خلاصه کند. نکته دوم هم اقتضا هست. در حالی که مرحوم نائینی از واژه دلالة استفاده کرده است. عبارت نائینی دقیق تر است. چون اقتضا ظهور در سببیت دارد. ولی بحث ما بحث الفاظ است و بحث الفاظ سببیت نیست بلکه دلالت و کاشفیت است. حتی اگر از اجماع هم بخواهیم استفاده کنیم، باز هم دلالت است نه سببیت.

چند مقدمه را باید بیان کرد:

در تقریرات مرحوم شاهرودی بزرگ، ایشان استیحاş کرده است از این مطلب. گفته اند این مطلب نیاز به بحث ندارد. چون نهی مبغوض است و عبادت مقربیت دارد و محبوبیت. بدیهی است که این دو با هم جمع نمیشوند. دیگر نیاز به بحث ندارد. ولی از باب تبعیت از سایر اعلام بحث را مطرح کرده اند و این سخن صحیح هم هست.

نکته دوم این است که دلالت مورد نظر، دلالت عقلیه است یا لفظیه. دلالت دود بر آتش، عقلی است. ولی اگر لزوم بین به معنی الاخص باشد میشود لفظی. یعنی اگر لازمه، بین بمعنی الاخص باشد، میتوان دلالت را مستند به لفظ کرد. یعنی این قدر ملازمه بین معانی شدید است که گویا از لفظ فهمیده شده است. لفظ در ابتدا دلالت بر ملزوم دارد و از ملزوم به لازم منتقل میشود.

غیر بین یعنی از تصور لازم، تصور ملزوم حاصل نمیشود. بلکه استدلال و برهان میخواهد. در مقابل بین است. ولی خود بین گاهی به معنی اعم است. یعنی اینکه تصور لازم و ملزوم و ملازمه، ما را بی نیاز از استدلال میکند. نه اینکه از تصور ملزوم ذهن منتقل به لازم بشود. و بین بمعنی الاخص یعنی تصور ملزوم خودش ذهن را به سمت لازم برد. این دلالت را مستند به لفظ میکنند و میشود دلالت التزامیه. اما بقیه اقسام دلالت التزامیه را مستند به لفظ نمیتوان کرد.

در بحث ما دلالت نهی لازمه ای دارد که آن فساد منهی عنه است یا خیر؟ با این توضیحات معلوم میشود که این بحث بین بمعنی الاخص نیست. ولی تصور حرمت، فساد و ملازمه ما را از استدلال بی نیاز میکند. لذا بین بمعنی اعم است.

۴/۱۰/۹۷ (۲)

### **تفاوت مسئله اجتماع و مسئله دلالت النهی علی الفساد**

نکته بعدی تفاوت این بحث با مسئله اجتماع چیست؟

یک تفاوت این است که ممکن است بگوییم در مسئله اجتماع نزاع صغروی است. یعنی آیا به متعلق نهی، امر تعلق گرفته است یا به چیز دیگر. هم بحث در مسئله اجتماع این است. ولی در بحث اقتضاء نهی نزاع کبروی است. یعنی فرض کرده ایم که نهی و امر به یک چیز تعلق گرفته است، حال آیا موجب فساد میشود یا خیر.

تفاوت دیگر این است که در مسئله اجتماع، متعلق امر و نهی دو عنوان است. (البته بنابر اقوالی میگوییم متعلق حقیقی یک معنون است در نهایت امر) ولی در بحث اقتضاء نهی به همان عنوانی تعلق گرفته است که امر به آن تعلق گرفته بود. یعنی خود عبادت منهی عنه شده است.

### **آیا مسئله دلالت نهی، مسئله اصولی است؟**

این مسئله اصولی است. زیرا اگر اصولی ندانیم چیست؟ فقهی که نیست زیرا موضوع نهی است و محمول دلالت است. حال آنکه مسئله فقهی محمولش یک حکم شرعی است، چه اینکه حکم

تکلیفی باشد یا وضعی. قاعده فقهیه هم محمولش همین جور است، فقط موضوعش کلی است. پس این مسئله فقهی نخواهد بود.

اما در مسئله اصولی شرط این است که نتیجه مسئله، کبرای قیاس فقهی باشد. یعنی واسطه در استنباط حکم شرعی باشد. حال مسئله ما اینگونه هست. یعنی نهی که دلالت بر حرمت کرد، اگر مسئله ما به نتیجه برسد، کبری واقع میشود و نتیجه میدهد که این عمل فاسد هم هست. فساد هم یک حکم شرعی است.